

تطبیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی

علیرضا دهقانی*

سید هاشم گلستانی**

سید حسین واعظی***

زهره سعادت‌مند****

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش تطبیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی از جنبه‌های انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و دین‌شناختی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن موضوع و محور تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. حوزه پژوهش، متون، پژوهش‌های انجام‌شده و اسناد مربوط به مبانی، اصول، اهداف و مؤلفه‌های مؤثر در تعلیم و تربیت بوده که از منابع موجود در نظام تعلیم و تربیت اسلام استخراج گردیده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سند تحول بنیادین در بخش‌هایی با نظرات تربیتی خواجه‌نصیرالدین همخوانی دارد و چنین استنباط می‌شود که بین این دو افتراقاتی نیز وجود دارد. در حوزه انسان‌شناختی سند تحول همچون آراء تربیتی خواجه نصیر، در مقوله‌هایی مانند قدرت و اختیار، مرکب بودن انسان، باور به حیات ابدی و نیروی تعقل و خردورزی دیدگاهی یکسان دارد. اما با وجود چنین اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در حوزه معرفت‌شناسی سند تحول در این حوزه با آراء تربیتی خواجه‌نصیرالدین دیدگاهی یکسان دارد. با وجود این همانندی، آراء تربیتی خواجه نصیر معرفت‌حقیقی را ادراک معقولات می‌داند ولی سند تحول معرفت‌حقیقی را از طریق وحی و الهام امکان‌پذیر می‌داند. در حوزه دین‌شناسی سند تحول همچون آراء تربیتی خواجه‌نصیرالدین، وحی را مهم‌ترین راه کسب معرفت می‌داند.

کلیدواژه‌ها: سند تحول؛ اندیشه‌های تربیتی؛ خواجه نصیر.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشکده علوم تربیتی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Alireza.d334@yahoo.com

** ، استاد علوم تربیتی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Golestani1315@gmail.com

*** دانشیار، دانشکده حقوق و الهیات، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Vaezi1340@gmail.com

**** دانشیار، دانشکده علوم تربیتی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Zo.saadatmand@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان (و حتی حیوان)، بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند و اگر غلط افتد، وی را به سقوط کشاند؛ زیرا آدمی در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم، استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد (کاردان و همکاران، ۱۳۸۴). چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۱ و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالیکه هیچ نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد، تا شکرگزار باشید. تعلیم و تربیت، فرآیندی مستمر، همیشگی، تدریجی و همه‌جانبه است که طی آن تمام استعدادهای آدمی با استمداد از درون فراگیر و به مدد کوشش‌های برنامه‌ریزی شده فرادندگان، در قالب نظامی تعاملی میان آن دو شکوفا می‌شود (رفیعی، ۱۳۹۵). تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۷). تربیت آرام‌ترین، مطمئن‌ترین و مفیدترین عاملی است که منشأ تحولات اجتماعی می‌شود. تربیت، روندی بسیار طولانی دارد و تقریباً در همه مراحل عمر آدمی، از تولد تا مرگ نقش خود را ایفا می‌کند و در برخی مراحل برجسته و تعیین‌کننده، و در مقاطعی دیگر کم‌رنگ و محدود است (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۳). هدف تعلیم و تربیت، ساختن انسان‌هاست و ساختن انسان چیزی نیست که بشود به او تحمیل کرد، بلکه برداشتن موانع است. هنر تعلیم و تربیت این است که این موانع را رفع نماید تا انسان بتواند حرکت کند و خودش را بشناسد و تحمیلی هم در کار نیست (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۸). روش تربیتی اسلام، بر تمامی ابعاد وجودی انسان، اعم از جسمی و روحی و به تبع آن، زندگی مادی و معنوی او اشراف و عنایت دارد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱). یکی از مسائل مهم نظام نوین تربیت در کشور ما این است که نهادهای مختلف این نظام، طی مراحل بنیان‌گذاری و گسترش و تحول تاکنون بر مبنای نظری مشخص و مدونی استوار نبوده‌اند، تا بتوانند ضمن بهره‌مندی از دستاوردهای معتبر علمی، با نظام فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران و نیز با

دیگر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور، هماهنگ و سازگار باشد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۰).

هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در وجود او به‌طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه‌دار از او سر بزند. فلسفه خلقت بشر را نیز در همین نکته می‌توان یافت که خداوند انسان را برای این آفرید که او به‌وسیله تربیت صحیح، کمال یابد و به سرمنزل مقصود برسد (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۰۴). مکتب اسلام برای تربیت، در تمام مراحل و مقاطع زندگی دستورهای ویژه‌ای داده است تا انسان از کودکی در کانون خانواده و در آغوش والدین، معلم و فرهنگ محیط، تعلیم و تربیت مناسب و لازم را ببیند و برای مراحل عالی‌تر زندگی انسانی آماده شود و پرورش یابد (کاردان و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸). در مبانی نظری سند تحول بنیادین آمده است فرایند تربیت در واقع تلاشی اجتماعی برای تسهیل و جهت‌دهی این تکاپوست که از طریق آن حیات انسانی تداوم و تکامل پیدا می‌نماید. لذا، توجه به چگونگی هستی انسان، ضرورت تربیت را آشکار می‌سازد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۴۷). لزوم تعلیم و تربیت بر همگان آشکار است؛ زیرا با اندکی تفکر روشن می‌شود که انسان شدن مرهون و مدیون اقدامات تعلیمی چه از طرف خود و چه از طرف پرورش‌دهندگان او هست. در اثر تربیت جسم و روح انسان به بلندترین پایه جمال و کمال می‌رسد بنابراین عالی‌تر و مقدس‌تر از تربیت فنی نیست. در این دوره‌ها آداب تعلیم و تربیت بسیار مورد توجه بوده و نظریه‌ها و مسائل تربیتی در ذیل مباحث اخلاقی به بحث گذاشته می‌شدند. نگارش کتابی مانند «آداب المتعلمین» توسط خواجه‌نصیرالدین طوسی، مؤید این مطلب است (درآنی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

با مطالعه پیشینه تحقیقات و مطالب بیان‌شده می‌توان گفت از جمله مریبان و فیلسوفان تربیتی که می‌توان آراء تربیتی آن‌ها را در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی مورد توجه قرار داد و شباهت‌های فراوانی با مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی دارد، خواجه‌نصیرالدین طوسی است. سند تحول بنیادین همچون خواجه‌نصیر، بر نقش فرد و جامعه هر دو در اهداف تعلیم و تربیت تأکید دارد و اظهار می‌دارند که فرد باید برای شکوفایی استعدادهای خود در جمع قرار گیرد. به نظر می‌رسد که به کارگیری آراء تربیتی خواجه‌نصیر در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مکمل و تقویت‌کننده سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد؛ زیرا استفاده از دیدگاه‌ها و آراء تربیتی صاحب‌نظران و مریبان بزرگ در نظام تربیتی ما، مسیر ترقی و

تعالی جامعه به‌ویژه جامعه تعلیم و تربیت را فراهم خواهد کرد. در این مقاله به بخش‌های مختلفی از سند تحول بنیادین و نظرات و دیدگاه‌های خواجه‌نصیرالدین طوسی پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، به‌مثابه نقشه راهی برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان و تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی تعبیر شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۰-۷).

مبانی نظری سند تحول بنیادین

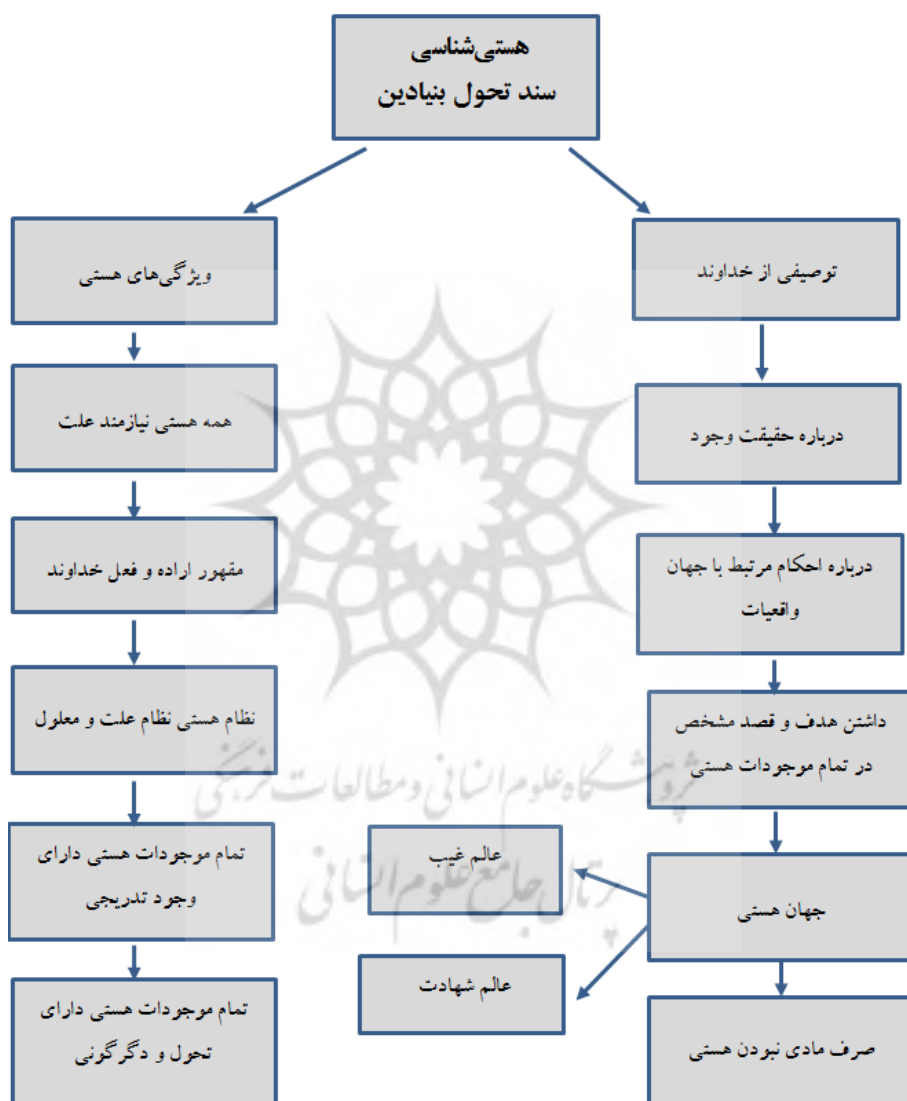
مبانی هستی‌شناختی

مقصود از مبانی هستی‌شناختی تربیت در این مجموعه، بخشی از گزاره‌های توصیفی تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به‌طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته است.

با توجه به این تعریف مهم‌ترین این مبانی به این شرح‌اند:

- جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست؛
- خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی همه‌ی موجودات عالم است؛
- ویژگی ذاتی جهان موجودات (عالم امکان)، فقر و نیاز محض به واجب‌الوجود است؛
- در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد اما کثرتی غیر اصیل که در نهایت به وحدت باز می‌گردد؛
- آفرینش جهان هستی، غایت مند و خداوند غایت همه‌ی موجودات است؛
- خداوند خیر بنیادین هستی است و همه‌ی موجودات عالم را به‌سوی کمال شایسته‌ی آن‌ها هدایت می‌کند؛
- نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی حاکم است؛

- عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همواره در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم‌اند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۵۶-۴۹).



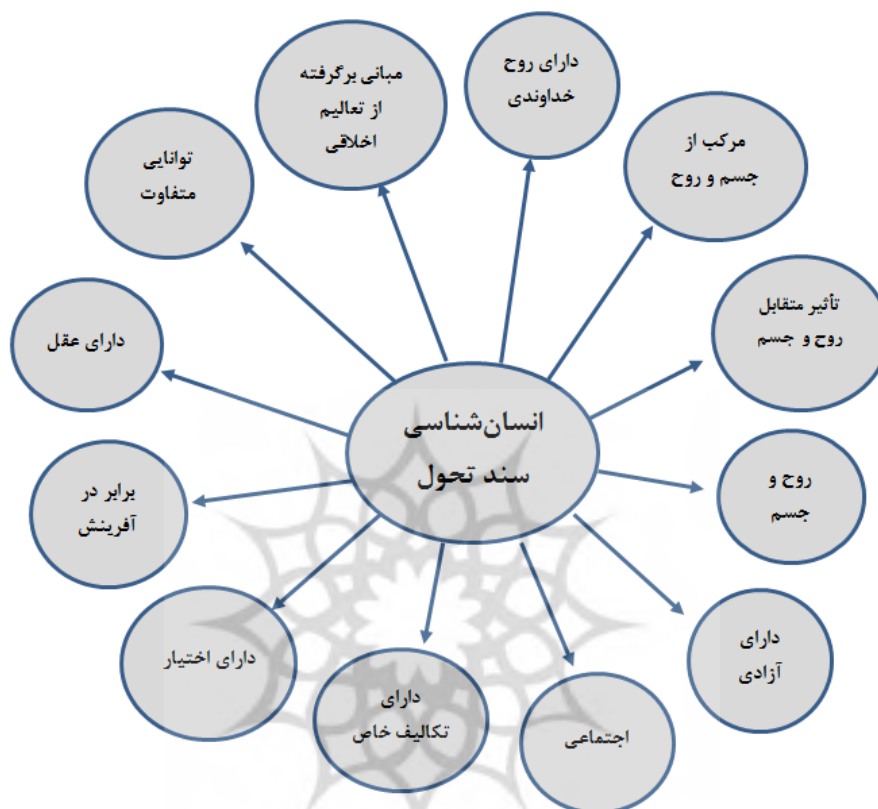
شکل ۱. سند تحول بنیادین در حوزه هستی‌شناسی

مبانی انسان‌شناختی

مراد از مبانی انسان‌شناختی، در ذیل مبانی اساسی تربیت، آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد نوع بشر یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

بر این اساس می‌توانیم اهم این مبانی را به این شرح برشماریم:

- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح: دو حیثیت درهم تنیده و مرتبط؛
- حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛
- انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛
- انسان برحسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است؛
- آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۷)؛
- خداوند توانایی ویژه‌ای به نام عقل و خرد، به انسان ارزانی داشته است؛
- انسان موجودی آزاد و صاحب‌اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۶۴)؛
- انسان موجودی اجتماعی است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۰).



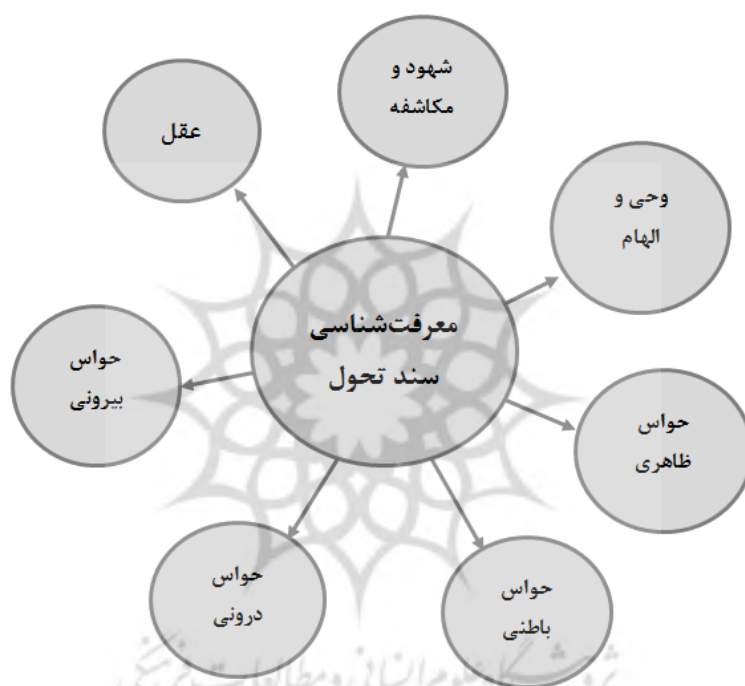
شکل ۲. انسان‌شناسی سند تحول

مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی در این مجموعه بخشی از گزاره‌های توصیفی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است. اهم این دسته از مبانی اساسی تربیت، به این شرح قابل تبیین هستند:

- انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد؛
- علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد؛
- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است؛
- علم در عین کشف از واقع (از منظر معلوم)، محصول خلاقیت و ابداع نفسانی (از منظر عالم) است؛

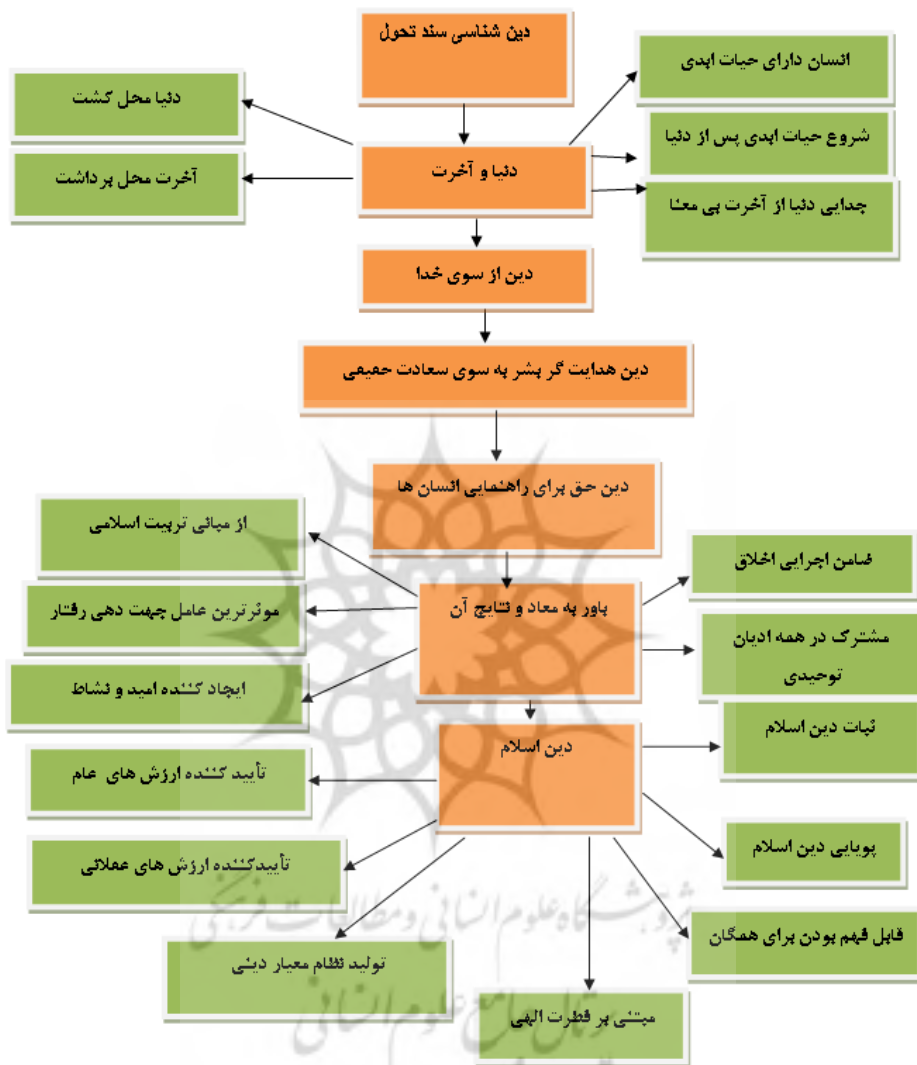
- آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان باید از همه آنها بهره گرفت. اهم راه‌ها و ابزارهای گوناگون انسان برای دستیابی به معرفت عبارت‌اند از (حواس درونی و بیرونی)، عقل، شهود و مکاشفه، وحی و الهام (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۸۲-۷۷).



شکل ۳. معرفت‌شناسی از منظر سند تحول

مبانی دین‌شناختی

اهم مواضع دین‌شناختی خود را بر اساس دیدگاه معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران به این شرح تبیین می‌نماید. دین حقیقت واحدی است که از سوی خدا برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید فرستاده شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت ایران، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۶).



شکل ۴. دین‌شناسی از منظر سند تحول بنیادین

هدف کلی تربیت از منظر سند تحول

هدف کلی جریان تربیت در جامعه اسلامی، عبارت است از "تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند (میانی نظری سند

تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت ایران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

عوامل سهیم و مؤثر در تربیت

بدون شک جریان مستمر تربیت با طیف گسترده‌ای از علل فلسفی و متأثر از عوامل زیستی، وراثتی، محیطی و انسانی متعددی محقق می‌شود که مشارکت و تعامل آن‌ها با همدیگر، به تداوم و پیشرفت این جریان کمک می‌نماید. اما با توجه به مفهوم عملی تربیت، عوامل اجتماعی را به دودسته کلی تقسیم کرد: ۱- عوامل سهیم در تربیت ۲- عوامل مؤثر در تربیت (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۹).



شکل ۵. عوامل مؤثر بر فرآیند تربیت از منظر سند تحول بنیادین

اصول تربیت

اصول تربیت قواعدی تجویزی و کلی‌اند، که جهت بیان چگونگی تحقق غایت تربیت در جریان تربیت قرار می‌گیرند تا هریک وظایف تربیتی خود را به نحو مطلوب انجام دهند. این اصول با نظر ترکیبی به مجموعه مبانی تربیت وضع می‌گردند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰:

(۱۸۴-۱۸۳).

عوامل مؤثر در تربیت از منظر سند تحول

اهم عوامل اجتماعی مؤثر بر فرآیند تربیت عبارت‌اند از:

- نهاد سیاست؛
- نهاد دین؛
- نهاد فرهنگ؛
- نهاد خانواده؛
- نهاد جامعه محلی؛
- نهادهای مدنی؛
- نهاد اقتصاد؛
- نهاد تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی؛
- نهاد سلامت و تندرستی (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۰).

خواجه‌نصیرالدین طوسی

فیلسوف و حکیم بلند آوازه جامعه علوم عقلی و نقلی، ابوجعفر محمد بن محمد بن طوسی معروف به خواجه‌نصیرالدین طوسی و مشهور به محقق طوسی یا خواجه طوسی که او را به القاب استاد البشر و عقل حادی عشر و معلم ثالث خوانده‌اند (مدرس رضوی، ۱۳۸۳: ۲۵) در این بخش به بخش‌های مختلفی از نظرات و دیدگاه‌های او پرداخته شده است.

امور و ارزش‌های فردی

در این بخش به موضوعاتی توجه می‌شود که در حیطه ارزش‌های فردی و شخصی قرار دارند. خواجه نصیر طوسی در کتاب اخلاق ناصری به زوایای مختلف وجودی و فردی انسان پرداخته است؛ ویژگی‌های جسمانی، شخصی، روحی و اخلاقی بیش از دیگر حوزه‌ها در نگاه او جلوه‌گری می‌نماید (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۲۳).

ویژگی‌های جسمانی و شخصی

طعام خوردن: باید به‌جای لذت و شهوت خوردن طعام و دارو، صحت و سلامتی ناشی از

استفاده آن‌ها مورد توجه انسان قرار گیرد. باید به فرزند بیاموزند که غرض از طعام خوردن صحت جسم و زندگی است نه لذت و طعام مانند دارویی است که گرسنگی و تشنگی را رفع می‌کند و اول که تأدیب قوت شهوی کنند، ادب طعام خوردن بیاموزند، چنان که یاد کنیم و او را تفهیم کنند که غرض از طعام خوردن صحت بود نه لذت (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۲۳).

ارزشمندی بازی و سرگرمی: خواجه نصیر بازی و تحرک انسان را نیز متأثر از ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌داند، این امر در رشد جسمانی و فردی انسان تأثیر زیادی دارد. باید اجازه بازی به فرزند داده شود ولی بازی‌اش نیکو و شایسته باشد و با رنج و دردی همراه نباشد.

ارزشمندی رابطه با والدین و اطرافیان: خواجه نصیر در اخلاق ناصری مکرراً بر رعایت حقوق پدر و مادر تأکید می‌کند، فرزند تحت تأثیر کمالات جسمانی پدر قرار می‌گیرد و هم از کمالات نفسانی او بهره می‌برد. محبتی ذاتی در پدر وجود دارد که فرزند را دوست دارد و گویی او را بخشی از وجود خود می‌داند. البته مادر نیز در وجود و رشد کودک شریک پدر است. علاوه بر پدر و مادر اطرافیان و معلمان نیز در تربیت کودک سهیم‌اند (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۳۷-۲۳۹). سه رکن اساسی تربیت در دنیای امروز والدین، معلم و جامعه است و خواجه نصیر نیز به نوعی از هر سه یاد کرده است.

معرفت‌شناسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی، معرفت را به معنای اعم آن به معرفت حسی، خیالی، وهمی، عقلی، شهودی و وحیانی تقسیم کرده و هر یک را تعریف می‌کند.

۱- معرفت حسی: خواجه طوسی اهمیت معرفت حسی را گوشزد می‌کند که نخستین گام معرفت و کلید باب علم، ادراک حسی است، زیرا معرفت حسی نه تنها زمینه درک ضروریات را فراهم می‌کند و ادراک ضروریات نیز خود موجب پیدایش معرفت‌های کسبی می‌شود بلکه علوم طبیعی، تجربی، ریاضی و هیئت بر این معرفت استوار است.

۲- معرفت خیالی: ادراک شیئی مادی است با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش، خواه آن شیئی مادی حاضر یا غایب باشد و این معرفت با قوه خیال به دست می‌آید.

۳- معرفت وهمی: درک معانی جزئی غیر محسوس است، نظیر ترس آدمی از تاریکی و ترس گوسفندان از گرگ که معانی جزئی غیر محسوس و غیرمادی‌اند.

۴- **معرفت عقلی:** خواجه‌نصیرالدین طوسی، معرفت حقیقی را ادراک معقولات می‌داند که شیء به نحوی کلی و مجرد از ماده و خصوصیات ماده ادراک می‌شود (داودی، ۱۳۸۸: ۲۷).



شکل ۶. معرفت‌شناسی از نگاه خواجه نصیر

انسان‌شناسی از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

خواجه‌نصیرالدین طوسی در باب انسان‌شناسی ابتدا به برتری انسان اشاره نموده که انسان موجودی است که به لحاظ مراتب وجود از جماد، نبات و حیوان برتر است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۵). آفرینش انسان به گونه‌ای است که سیما و سیرتش، دنیا و آخرتش، با تعلیم و تربیت ساخته و پرداخته می‌شود و به کمال وجودی شایسته حال خود می‌رسد؛ زیرا تا انسان خویشتر را نشناسد و رابطه خود را با جهان و خلق و خالق نیابد، و نداند که از کجا آمده و در کجاست و به سوی کدامین مقصد در حرکت است و چه برنامه و راهی را باید دنبال کند، هرگز هدف و هویتی انسانی نخواهد داشت و این موهبت تنها در پرتو تعلیم و تربیت به دست می‌آید. به همین

سبب خواجه نصیرالدین طوسی تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند (کاردان و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۸).



شکل ۷. انسان‌شناسی از نگاه خواجه نصیر

ویژگی‌های روحی و اخلاقی

توجه به فضایل و پرهیز از رذایل: یکی دیگر از نکات ارزشی مورد تأکید خواجه نصیر توجه فرزند به کسب فضایل و پرهیز از پلیدی‌های اخلاقی است، به گونه‌ای که خواسته‌ها و لذات تحت کنترل فرزند قرار بگیرد. (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۲۷). در نظام ارزشی موردنظر خواجه نصیر، کودک باید به کرامت و بزرگواری گرایش پیدا کند؛ یعنی به سمت کراماتی برود که بر اساس عقل و شریعت و دیانت به دست می‌آید (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۲۲).

بی توجهی به امور مادی: نظام‌های مادی نباید در نظر انسان چندان آراسته و ارزشمند جلوه داده شود. فرزند باید به زر و سیم بی توجه باشد؛ زیرا آفت و سموم این طمع بسیار مهلک است. «و زر و سیم را در چشم او نکوهیده دارند، که آفت زر و سیم از آفت سموم و دفاعی بیشتر است» (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۲۷). با توجه به این که کودک ذاتاً خدامحور خلق شده، باید از همان ابتدا بر بعد روحانی او تأکید و توجه بیشتری شود.

امور و ارزش‌های اجتماعی: در نظر خواجه نصیر جامعه، اطرافیان و آموزه‌های محیطی نیز در شکل دادن به نظام ارزشی تأثیرگذار است و این نظام ارزشی متأثر از جامعه، شدیداً وجود انسان و شاکله شخصیتی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. (رمضانی، ۱۳۷۹: ۱۳) جامعه یکی از سه رکن اصلی تعلیم و تربیت بوده که می‌تواند ماهیت اولیه کودک را نیز تغییر دهد.

تعلیم و تربیت همگانی از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

خواجه‌نصیرالدین طوسی با الهام از آیات قرآن کریم و روایات، تعلیم و تربیت فرزند را بر اولیاء و معلمان و مربیان فرض دانسته و بر آموزش اجباری صحه گذارده است. او علم‌آموزی را بر هر زن و مرد مسلمان واجب شمرده است (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶: ۷۳). خواجه نصیر طوسی دقیقاً با تاسی از قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام، مسئله تعلیم و تربیت همگانی را مورد تأکید قرار داده است.

محتوای تربیت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

خواجه‌نصیرالدین طوسی در مورد تربیت به تهذیب اخلاق، اکتساب فضایل، سنن و وظایف دینی، پرداختن به شعر برای تقویت حافظه تأکید داشته (فراهانی، ۱۳۸۰: ۲۳) و معتقد است که برنامه آموزشی و پرورشی کودک باید بر پایه مراحل رشد طبیعی او تنظیم شده و همگام با رشد قوای او پیش رود (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۴).

خواجه‌نصیرالدین طوسی در زمینه محتوای تربیتی به سه نکته بنیادین اشاره کرده است:

۱. برنامه آموزشی باید با متونی که از نظر محتوا، آسان و به لحاظ حجم کوچک آغاز شود تا لذت علم‌آموزی به کام کودک بنشیند و سپس به تدریج به متون دشوار پرداخته شود.
۲. برنامه آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم شود که هر فرد در هر علم و تخصص و فن که به تحصیل و اکتساب می‌پردازد، آن را به مرحله نهایی برساند و در نیمه‌راه آن را رها نسازد.

۳. در برنامه‌های آموزشی باید دانش‌های کهن و باثبات و بنیادین را بر دانش‌های نو و بی‌ثبات مقدم داشت و از بین این دانش‌ها برای معارف دینی بیشتر ارزش قائل شد و به نماز و ارتباط با خدا، بیشتر عنایت کرد (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

عوامل تربیت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

عوامل تربیت از نظر خواجه‌نصیرالدین طوسی عبارت است از: وراثت، تغذیه، خانواده، معلم، مدرسه و معاشرین. از نظر خواجه‌نصیر وراثت تأثیر زیادی در اخلاق و شخصیت کودک داشته؛ بنابراین توصیه می‌کند که در ازدواج این نکته مورد توجه باشد که زن پاک‌دامن و صالح انتخاب شود که دارای عقل، دیانت و عفت بوده، دانا و زیبا باشد زیرا همه این موارد در اخلاق و شخصیت فرزند تأثیر بسزایی دارد. خواجه‌نصیرالدین طوسی هم‌چنین به نقش تغذیه در دوران شیرخوارگی معتقد بوده که نباید شیر دختر به پسر داده شود؛ زیرا طبیعت دختر را پیدا خواهد کرد هم‌چنین شیر پسر به دختر نباید داده شود؛ زیرا طبیعت مردان را پیدا خواهد کرد.

خواجه‌نصیرالدین طوسی خانواده را نخستین محیطی می‌داند که کودک در آن چشم‌گشوده و رشد خویش را در آن آغاز می‌کند و با آن در تماس است و خانواده نقش بسیار مهمی در سازندگی شخصیت و سلوک کودک دارد.

از عوامل مهم تربیت که خواجه به آن‌ها اشاره نموده است می‌توان به نقش معلم و مدرسه به‌عنوان عوامل مهم اشاره نمود. شخصیت و تعادل روانی معلم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بر کودکان تأثیر بسزایی دارد. هم‌چنین نقش مدرسه را نیز در تربیت مهم می‌داند (عطاران، ۱۳۸۲: ۲۵).

مراحل تربیت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

خواجه‌نصیرالدین طوسی مراحل تعلیم و تربیت کودک را به پنج مرحله تقسیم می‌کند:

۱- **شیرخوارگی:** چون فرزند در وجود آید، ابتدا به تسمیه او باید کرد به نامی نیکو، چه اگر نامی ناموفق بر او نهند، مدت عمر از آن ناخوش دل باشد (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲).

۲- **تأدیب:** «و چون رضاع او تمام شود به تأدیب و ریاضت اخلاق او مشغول باید شد، پیش‌تر از آنکه اخلاق تباہ فراگیرد، چه، کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه میل بیشتر کند به سبب نقصانی و حاجتی که در طبیعت او بود، و در تهذیب اخلاق او اقتدا به طبیعت باید کرد، یعنی

هر قوت که حدوث او در بنیت کودک پیش تر بود تکمیل آن قوت مقدم باید داشت و اول چیزی از تأدیب او آن بود که او را از مخالطت اضرار که مُجالست و مُلاعبه ایشان مقتضی افساد طبع او بود، نگاه دارند، چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت از اقران خود زودتر کند، و باید که او را بر محبت کرامت تنبیه دهند، خاصه کراماتی که به عقل و تمییز و دیانت استحقاق آن کسب کننده نه آنچه به مال و نسب تعلق دارد». (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۱۴۳)

۳- آموزش دین و اخلاق (آموزش ابتدایی): وقتی که کودک آماده فراگیری شد، موادی که نخست باید به او آموزش داد تعالیم دینی و اخلاقی است، کودک از آغاز باید با قرآن، احکام دین، سنن و وظایف دینی آشنا شود و آن تعالیم درجانش را سخ بماند (علوی مقدم، اشرف زاده، ۱۳۷۴). در این مرحله، باید کودک را با محاسن اخلاقی آشنا ساخت و او را از آداب بد و زشتی‌ها بازداشت (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶).

۴- آموزش‌های تکمیلی: پس از پایان آموزش‌های ابتدایی، باید آموزش‌های تکمیلی آغاز شود و از آنجاکه این مرحله پایان دوره کودکی است، برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی دقیقی را اقتضا می‌کند. از این رو با توجه به استعداد و علاقه فرد، این برنامه‌ریزی می‌تواند واقع‌بینانه باشد (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶: ۸۵).

۵- کار و اشتغال: وقتی دوره تکمیلی آموزش به پایان برسد باید زمینه کار و اشتغال جوان فراهم شود و او از این طریق، شیرینی کار و اشتغال را بیابد و از این راه امرارمعاش کند (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶: ۸۸).

اصول تربیت از دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی

۱- اصل اقتدا به طبیعت و رعایت رغبت‌ها: خواجه‌نصیرالدین طوسی معتقد است که برای تربیت باید به طبیعت و سیر رشد طبیعی کودک و نیز رغبت‌های موجود در وی توجه کرد و بر اساس آن‌ها برنامه‌ها و مراحل تربیتی را سامان داد (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶: ۹۱).

۲- رعایت تفاوت‌های فردی: خواجه‌نصیرالدین طوسی معتقد است استادی که می‌خواهد صنعت را بیاموزد باید بداند که نمی‌توان هر صنعتی را به هر شاگردی تعلیم کرد، بلکه هر یک از شاگردان ذوق و شایستگی آموختن صنعت مخصوصی را دارد. باید به هر کس مناسب ذوق و استعدادش صنعت آموخت و اگر این طور نباشد تعلیم و تربیت نتیجه مطلوب نمی‌دهد (نقیب زاده،

۱۳۷۳: ۸۴).

۳- **تنظیم برنامه بر اساس مراحل:** خواجه نصیرالدین طوسی تأکید می‌کند که در برنامه آموزشی، مراحل گوناگون باید مراعات شود و در هر مرحله، برنامه آموزشی متناسب با ویژگی‌های آن مرحله برنامه‌ریزی شود.

۴- **آموزش گروهی:** خواجه به پیروی از بوعلی سینا معتقد است که کودک در مدرسه به همراه کودکان دیگر باشد تا یادگیری در کودک تقویت گردد زیرا برتری در بعضی از مواقع باعث افتخار آنان شده در یادگیری مشتاق‌تر می‌شوند و از طرفی اگر ببینند که دیگران برتر شده‌اند باعث غبطه آنان شده و سعی می‌کنند که از دیگران عقب نمانند (بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، ۱۳۸۶: ۳۶).

۵- **انتخاب معلم و رفیق:** خواجه در این زمینه معتقد است که معلم باید عاقل و دین‌دار بوده و به طریقه ادب کردن کودکان آگاه بوده و شیرین‌سخن و باوقار باشد (علوی مقدم، اشرف زاده، ۱۳۷۴: ۴۶).

تشویق و تنبیه از نگاه خواجه نصیر

خواجه نصیرالدین تشویق و تنبیه را به دو ابزار برای ضمانت اجرای تعلیم و تربیت و گسترش آن سالم‌سازی فضای خانه، مدرسه و جامعه و ایجاد انگیزه برای پرهیز از تخلفات، ضروری قلمداد کرده است. (طوسی، ۱۳۶۹ الف: ۴۰۷) باور خواجه درباره تنبیه بدنی این است که اگر معلم نتوانست از راه دانش، تشویق و انداز و تخویف، دانش‌آموز را اصلاح کند و تنبیه بدنی را لازم دانست می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد و باید آن تنبیه در عین اینکه دردآور است اندک باشد تا آن دانش‌آموز و دیگران عبرت گیرند (طوسی، ۱۳۶۹ الف: ۲۲۶-۲۲۷). همچنین خواجه به تنبیه کنترل‌شده معتقد است (همایی، ۱۳۷۴: ۲۲۶).

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع انجام شده است که به آن‌ها می‌پردازیم.

صالحی عمران، محمدیان (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان "بررسی مشکلات اجرایی سند تحول

بنیادین آموزش و پرورش از نظر مدیران " که به صورت میدانی و با حضور مدیران مدارس دولتی مازندران اجرا شد، به این نتایج رسید که برای دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین، لازم است چالش‌هایی همچون کمبود انگیزه معلمان، عدم تخصص معلمان، کمبود تجهیزات آموزشی، کمبود منابع مالی و عدم مطابقت برنامه‌های اجرایی با برنامه‌ریزی صحیح رفع شود تا باعث افزایش کارآیی مدیران در جهت اجرای مناسب اهداف سند تحول بنیادین گردد.

رهبری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان " بررسی هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران " بیان داشته‌اند که هویت ملی ایرانی موجود در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از سه بعد هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت متجددانه است که می‌تواند موجبات همبستگی ملی را در میان دانش‌آموزان فراهم نماید که در این میان، لایه هویت اسلامی از برجستگی و تأکید بیشتری در این سند برخوردار است.

کریمی، سالاری چینه (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان " تعلیم و تربیت در اندیشه خواجه نصیر " بیان داشته که هدف غایی تربیت از نظر ایشان درستکاری و قرب الهی بوده، معتقد است انسان از بدو کودکی آمادگی پذیرش تربیت را دارد.

صیف حصار (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان " اندیشه‌های اخلاقی - تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی " اندیشه‌های اخلاقی تربیتی او را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که خواجه‌نصیرالدین طوسی نه تنها دارای آرای معینی در تعلیم و تربیت است بلکه می‌توان آرای او را در تقسیم‌بندی جدید قرار داد و بر مبنای آن تقسیم‌بندی در علم تعلیم و تربیت از آن بهره برد و به وسیله آن اشکالات تعلیم و تربیت نوین را برطرف کرد و حتی ساختاری کامل و بومی برای تعلیم و تربیت اسلامی در کشور بنا کرد.

روش پژوهش

به منظور پاسخ به سؤالات، دیدگاه‌های تربیتی سند تحول و خواجه نصیر در زمینه تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد محقق در پاسخ به سؤالات پژوهش و مطابق با اهداف پژوهش، به تحلیل خواجه نصیر و سند تحول بنیادین پرداخته است. با توجه به این که برای انجام پژوهش ابتدا آراء به صورت کلی آورده شده و سپس به جزئیات منتج شده، لذا روش تحقیق، کیفی، از نوع تحلیل

محتوا و با استفاده از نظام مقوله‌بندی قیاسی انتخاب گردیده است. بایستی اذعان داشت که پژوهشگر کیفی فقط از یک روش استفاده نمی‌کند، بلکه با یک سلسله رویکرد سروکار دارد. این رویکردها بر بازشناسی معناهای ضمنی و نهفته تاریخی و مفهومی در عمل پژوهشگر تأکید دارد. هر فردی که دست کم بخشی از یک پژوهش کیفی را انجام داده باشد، می‌داند که انجام یک پژوهش کیفی خوب فقط مستلزم انجام یکسری از دستورالعمل‌های مختلف در باره روش این پژوهش نیست. منبع اصلی کسب دانش و شناخت در پژوهش کیفی، درگیری پژوهشگر در فرایند جستجوی معنا و حقیقت در رابطه با عنوان پژوهش و در واقع تلاش برای شناختی است که بینش‌های جدید و مفیدی را ایجاد می‌کند (هومن، ۱۳۹۴: ۸۹). تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد، اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج از طریق یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۵). در مورد روش تحلیل محتوای کیفی می‌توان گفت که مطالب موجود در یک متن را باید به شکل مرحله‌به‌مرحله مورد تحلیل قرار داد و همچنین باید در این تحلیل از فرایندهای قانونی به منظور تقسیم‌بندی مطالب در قالب واحدهای تحلیلی پیروی نمود. جنبه‌های موجود در تفسیر یک متن و نیز سؤالات مطرح‌شده در مورد آن‌ها در قالب دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند که باید آن‌ها را با دقت فراوان در چارچوب فرایند آنالیز، اصلاح و ویرایش کرد (فلیک، ۲۰۰۶؛ ترجمه جلیلی، ۱۳۹۱). مراحل که در تحلیل محتوای کیفی مدنظر است: تعریف واحد تحلیل (کلمه، جمله، پاراگراف)، کاهش داده‌ها، استفاده از نظام مقوله‌بندی، اصلاح نظام مقوله‌بندی و یک طرح کدگذاری (طرح‌های کدگذاری می‌تواند هم به صورت قیاسی و هم استقرایی توسعه یابند) بر اساس داده‌ها و ارائه گزارش از داده‌های کیفی (مایرینگ^۱، ۲۰۰۰: ۲) در این تحقیق واحد تحلیل «پاراگراف» بوده است.

سؤالات تحقیق

۱. اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه انسان‌شناختی

چیست؟

۲. اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه

معرفت‌شناختی چیست؟

۳. اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه دین‌شناختی

چیست؟

یافته‌ها

سؤال ۱: اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه

انسان‌شناختی چیست؟

جدول ۱. اشتراکات و افتراقات آراء و دیدگاه‌های سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه

انسان‌شناختی

افتراقات	اشتراکات
- خواجه معتقد به سه قوه نباتی، حیوانی و انسانی بوده درحالی‌که سند تحول قوای انسان را به جسمانی و روحانی محدود و تقسیم کرده است.	- دارا بودن ویژگی آزادی و اختیار از ناحیه خداوند
- تأکید خواجه بر نقش مؤثر پدر در تربیت فرزند و مادر در تربیت و توجه جسمی او، اما تأکید سند بر تربیت فرزندان توسط خانواده (پدر و مادر هر دو) در هر دو بعد	- مرکب بودن انسان به دو بخش جسم و روح
- انسان دارای ویژگی اراده و اختیار است. باریابی به مقام قرب از ویژگی انسان است	- رسیدن به مقام قرب الهی
- انسان مدنی بلا اضطرار است یعنی نیازهای فراگیر و گوناگون آدمی را به زندگی اجتماعی وادار می‌سازد.	- تکامل تدریجی جسم و سیر آن به سمت کامل شدن روح
- انسان دارای ویژگی خردورزی است.	- باور به حیات ابدی (معاد)
- انسان دارای ویژگی حرکت تکمیلی و تکاملی است. یعنی دارای توانایی و استعدادها بالقوه است.	- فصل ممیز انسان و حیوان (قدرت تعقل)
- انسان با علم و عمل و بارور ساختن توانایی‌ها و	- اذعان به توانایی‌ها و استعدادها بالقوه انسان
	- اذعان به توانایی‌ها و استعدادها بالقوه انسان
	- اعطای دو ویژگی خردورزی (خرد) و عقل ورزی از سوی خداوند به انسان
	- توجه به آیات قرآن، انجام عمل صالح، تهذیب نفس و رسیدن به قرب الهی (وجود بال علم و عمل در انسان)
	- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح
	- حقیقت انسان روح است
	- کمال و جاودانگی آدمی مربوط به کمال و تعالی روح اوست
	- انسان فطرتاً جویای کمال بی‌نهایت است
	- عقل و خرد هدیه‌ای از جانب خداوند به انسان

اشتراکات	افتراقات
اعطای آزادی و اختیار به انسان از سوی خداوند انسان موجودی اجتماعی است تأثیر متقابل انسان و اجتماع بر یکدیگر	سرمایه‌ها به خدا نزدیک می‌شود انسان دارای سه قوه یا نفس است، نباتی، حیوانی و انسانی وجه ممیز انسان از حیوان را قوه ناطقه و تعقل آدمی می‌داند. حقیقت انسان مشتمل بر نفس و بدن است

سؤال ۲: اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه نصیرالدین طوسی در حوزه

معرفت‌شناختی چیست؟

جدول ۲. اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه نصیر در حوزه معرفت‌شناختی

اشتراکات	افتراقات
<p>- توانایی انسان در شناخت هستی</p> <p>- راه‌های شناخت خداوند در هر دو دیدگاه یکسان است.</p> <p>- وجود مراحل مختلف معرفت از معرفت حسی (ابتدایی‌ترین) تا معرفت حیاتی</p> <p>- اولین مرتبه معرفت، معرفت حسی است</p> <p>- عدم راه‌یابی شناخت ذات خداوند</p> <p>- چگونگی و راه‌های رسیدن به شناخت در هر دو دیدگاه بسیار شبیه یکدیگرند.</p> <p>توانایی انسان در شناخت هستی</p> <p>توانایی انسان در درک موقعیت خود و دیگران</p> <p>دارای بودن اقسام حقیقی و اعتباری علم انسان</p> <p>دارا بودن مراتب و سطوح علم</p> <p>معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب واقعیت</p> <p>علم محصول خلاقیت و ابداع نفسانی است</p> <p>دارا بودن منابع و ابزار شناخت متعدد</p> <p>بهره‌گیری انسان از همه‌ی ابزارهای شناخت برای شناخت واقعیات و حقایق</p>	<p>- خواجه نصیر معرفت حقیقی را ادراک معقولات می‌داند ولی از منظر سند تحول بنیادین معرفت حقیقی از طریق وحی و الهام صورت می‌گیرد.</p> <p>از منظر سند تحول، انسان بدون شک به ذات خدا راهی ندارد</p> <p>از منظر سند تحول، راه شناخت خداوند از طریق شناختی از صفات او و به کمک عقل و برهان امکان‌پذیر است</p> <p>راه شناخت خداوند از طریق سیر در آفاق و انفس ممکن است</p> <p>راه شناخت خداوند از طریق مراجعه به قرآن و روایات معتبر امکان‌پذیر است.</p> <p>راه شناخت خداوند از طریق کشف و شهود امکان‌پذیر است.</p> <p>ادراک و شناخت یعنی صورت‌مدرک پیش‌ادراک‌کننده تمثیل یابد و در ذهن او حاضر شود</p> <p>معرفت انواعی دارد که عبارت‌اند از: معرفت حسی، خیالی، وهمی، عقلی، شهودی و خیالی</p>

سؤال ۳: اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه‌نصیرالدین طوسی در حوزه دین شناختی چیست؟

جدول ۳. اشتراکات و افتراقات سند تحول بنیادین با خواجه نصیر در حوزه دین شناختی

افتراقات	اشتراکات
<p>رسیدن به مقام قرب الهی با دو بال علم و عمل امکان‌پذیر است.</p> <p>همسویی با فطرت خداجویی و دین‌خواهی، اصل مسلم تعلیم و تربیت است و همه تدابیر بر پایه فطرت و دین که وی نام آن را سیاست الهی نهاده پی‌ریزی می‌شود</p> <p>دین مربی اول آدمی و مربی دوم او حکمت است. اهمیت بیشتر برای معارف دینی، نماز و ارتباط با خدا</p> <p>آموزش آموزه‌های دینی سپس آموزش علمی</p>	<p>- رسیدن به مقام قرب الهی با دو بال علم و عمل صالح امکان‌پذیر است.</p> <p>- همسویی با فطرت خداجویی و دین‌خواهی در هر دو دیدگاه وجود دارد.</p> <p>- اهمیت بیشتر به معارف دینی</p> <p>- وحی مهم‌ترین راه کسب معرفت است.</p> <p>- آموزش تعالیم دینی و اخلاقی به کودک در آغاز</p> <p>- مربی اول آدمی دین (منظور خداوند) است.</p> <p>- تأکید بر نقش محبت و مهرورزی در هر دو دستگاه</p> <p>- تأکید خواجه نصیر و سند تحول بر نقش مؤثر مراقبه و محاسبه در کاهش رفتارهای ناپسند و گناهان و بهبود حسنات</p> <p>دین حقیقت واحد ارسالی از سوی خدا برای طریقت بشر</p> <p>شراعی توحیدی مصادیق کامل محسوب می‌شوند</p> <p>دین حق خواستگاه و مقصد فطرت انسان و شکوفایی آن است</p> <p>دین اسلام، ارائه‌کننده نظام معیار برای هدایت آدمی به سوی سعادت جاوید است</p> <p>دین دعوت‌کننده انسان‌ها به استفاده از تجارب</p>

جدول ۴. وجوه اشتراک آرای تربیتی سند تحول و خواجه نصیر در حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت

سند تحول	خواجه نصیر
	<ul style="list-style-type: none"> - اعتقاد به یگانگی خداوند - هدفمند بودن آفرینش جهان - هستی توصیفی از خداوند است - هستی دارای هدف و مقصد مشخص (هدایت انسان) است - عدم راه‌یابی به شناخت ذات خداوند - هستی از عوالم مادی و معنوی (عالم غیب و شهادت) تشکیل شده - انسان مرکب از جسم و روح است - اولین مرتبه معرفت، معرفت حسی است - وجود مراحل مختلف معرفت از معرفت حسی - (ابتدایی‌ترین) تا معرفت حیاتی تشکیل شده - خداوند مالک همه موجودات بوده و انسان جانشین خداوند - اشرف مخلوقات عالم است. - انسان تجلی انوار الهی است - دارای اختیار بوده و مسئول اعمال و رفتار خویش است - انسان دارای روح خداوندی است - انسان دارای اختیار و آزادی است - انسان دارای عقل است - انسان مرکب از جسم و روح است - ارزش‌ها به شکل ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و دانشی مدنظر است - معرفت‌شناسی شامل حواس (بیرونی، درونی، باطنی، ظاهری)، عقل، شهود، مکاشفه و وحی و الهام است
<ul style="list-style-type: none"> - خدا مقصد تمام عالم - شناخت از طریق حواس، وحی و عقل - انسان دارای نیروی اراده است - انسان دارای نیروی عقل است - شروع معرفت با معرفت حسی شروع می‌شود - انسان نسبت به نبات، جماد و حیوان برتر است - انسان دارای روح خداوندی است - انسان دارای اختیار و آزادی است 	

تطبیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی / ۳۸۳

جدول ۵. وجوه افتراق آرای تربیتی سند تحول و خواجه نصیر در اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت

اهداف تعلیم و تربیت		اصول تعلیم و تربیت		روش‌های تربیت	
سند تحول	خواجه نصیر	سند تحول	خواجه نصیر	سند تحول	خواجه نصیر
وابستگی کمال واقعی به تکامل روح	-----	اصول شانزده‌گانه با تمرکز بر توانمندی‌های انسان	اصول شش‌گانه تعلیم و تربیت	پرورش گروهی	تمرین و تکرار (نظریه عادت)
		ارتباط با خداوند و تکیه بر تدابیر ربوبی	اصل اقتدا به طبیعت	پرورش تجربه‌ای	پیروی از طبیعت
				پرورش تحلیلی و ترکیبی	

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده گویای به کارگیری برخی اندیشه‌های خواجه نصیر در سند تحول بنیادین است که در حوزه‌های مختلف تربیت به موارد زیر می‌توان اشاره کرد. خواجه نصیر به بعد روحانی انسان توجه دارند که در سند تحول نیز انسان را دارای روح خداوند می‌داند. آزادی و اختیار دو عنصری هستند که این اندیشمند به آن توجه داشته‌اند و در سند تحول، آزادی و اختیار اعطاشده از سوی خداوند است. نیروی تعقل و خرد عناصر دیگری است که در سند تحول آورده شده و وجهی مشترک با نظرات این اندیشمند است. داشتن حیات ابدی و اخروی، دین، علم و علم‌آموزی در سند تحول، دیگر عناصر مشترک است.

همچنین نتایج مؤید همخوانی اصول، روش‌ها و هدف‌های تربیتی خواجه نصیر در برخی مقوله‌ها با سند تحول بنیادین است. روش آموزش و پرورش خواجه نصیر بر نظریه عادت (تکرار کردن) متکی بوده که در سند تحول نهادینه کردن خلق و شخصیت از این طریق زیاد مناسب نیست. به نظر می‌رسد در بخش مربوط به اهداف تعلیم و تربیت همخوانی بسیار زیادی در آراء خواجه نصیر با سند تحول به چشم می‌خورد. هدف اصلی و نهایی تعلیم و تربیت در سند و نظرات خواجه نصیر همانند شدن با مبدأ و بازگشت انسان به اصل خود یعنی رسیدن به خداوند می‌دانند. در بحث مربوط به اصول تعلیم و تربیت هم در اندیشه‌های خواجه نصیر و سند تحول بنیادین همخوانی

وجود دارد با این تفاوت که اصول تعلیم و تربیت موجود در سند تحول بسیار گسترده‌تر از اصول مطرح شده توسط خواجه نصیر است. همچنین در حوزه‌های مختلفی همچون انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و دین‌شناسی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد. که اهم آن‌ها را می‌توان به صورت خلاصه بیان می‌گردد.

در حوزه انسان‌شناختی سند تحول همچون خواجه نصیر، در مقوله‌هایی مانند قدرت و اختیار، مرکب بودن انسان (جسم و روح)، باور به حیات ابدی (معاد و نیروی تعقل و خردورزی دیدگاهی یکسان دارد. اما با وجود چنین اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. خواجه انسان را دارای سه قوه نباتی، حیوانی و انسانی می‌داند در حالی که در سند تحول، قوای انسان فقط به جسمانی و روحانی محدود می‌گردد. خواجه نصیر بر نقش پدر به تنهایی در تربیت فرزند تأکید می‌کند ولی سند تحول نقش پدر و مادر هر دو را در این فرآیند مؤثر می‌داند. متولیان تعلیم و تربیت اسلامی در این حوزه، تلاش نموده تا جایگاه و نقش اولیاء و مربیان را برجسته نموده و ارتباط نزدیکی میان آن‌ها ایجاد نمایند.

در حوزه معرفت‌شناسی سند تحول در این حوزه با خواجه نصیر دیدگاهی یکسان دارد. با وجود این همانندی، خواجه نصیر معرفت حقیقی را ادراک معقولات می‌داند ولی سند تحول معرفت حقیقی را از طریق وحی و الهام امکان‌پذیر می‌داند. مربیان تعلیم و تربیت اسلامی باید به کمک ابزارهای گوناگون سطح شناخت کودکان و نوجوانان نسبت به خداوند را افزایش دهند و صرفاً از به کارگیری تک‌بعدی ابزارهای شناخت خودداری کنند و بر اساس تأکید قرآن کریم که انسان‌ها را به تفکر و تدبیر در نشانه‌های طبیعت فراخوانده، معلمان تلاش نمایند تا در زمینه شناخت دانش آموزان نسبت به خداوند با ارجاع آن‌ها به نشانه‌های الهی و حضور مستقیم در طبیعت فراهم نمایند.

در حوزه دین‌شناسی نقش مهم دین در حوزه تعلیم و تربیت و بازگشت به اصل و ذات باری تعالی، نقاط مشترک سند تحول با دیدگاه خواجه نصیر است. سند تحول همچون خواجه نصیر، وحی را مهم‌ترین راه کسب معرفت می‌داند، مربی اول آدمی دین (خداوند) بوده و به نقش مؤثر مراقبه و محاسبه در کاهش گناهان و بهبود حسنات تأکید دارد.

در تبیین نتایج می‌توان گفت با توجه به مطالب ذکر شده، به نظر می‌رسد که نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی باید شرایطی فراهم نماید تا فردی که تحت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد،

بتواند استعدادهای بالقوه خود را شکوفا نموده و با دارا بودن آزادی و اختیار منطقی و هدایت‌شده، فردی متدین، آزاداندیش، خردورز و عقلانی تربیت شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در حوزه انسان‌شناختی پیشنهاد می‌گردد: مادر به‌عنوان رابط میان مدرسه و خانه تعیین شود؛ زیرا مادر نقش مؤثرتری در تربیت دارد و تأثیرگذاری او نسبت به پدر بیشتر و فرصت بیشتری برای توجه به مسائل تربیتی دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در حوزه معرفت‌شناختی پیشنهاد می‌گردد: مربیان تعلیم و تربیت اسلامی باید به کمک ابزارهای گوناگون سطح شناخت کودکان و نوجوانان نسبت به خداوند را افزایش دهند و صرفاً از به‌کارگیری تک‌بعدی ابزارهای شناخت خودداری کنند و بر اساس تأکید قرآن کریم که انسان‌ها را به تفکر و تدبیر در نشانه‌های طبیعت فراخوانده، معلمان تلاش نمایند تا در زمینه شناخت دانش آموزان نسبت به خداوند با ارجاع آن‌ها به نشانه‌های الهی و حضور مستقیم در طبیعت فراهم نمایند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در حوزه دین‌شناختی پیشنهاد می‌گردد: بر اساس دین مبین اسلام که طبق کلام پروردگار کامل‌ترین و آخرین دین هست و رستگاری انسان در تمسک به دین معرفی شده، بهترین راه تربیت کودکان عجین نمودن آن‌ها با دین و دستورات دین مبین اسلام است؛ زیرا ذات تمام انسان‌ها بر پایه فطرت الهی بوده و مطابق آیه شریفه قرآن کریم (همه از اویم و به سوی تو بازمی‌گردیم) اساس انسان‌ها از روح خداوندی است.

منابع

منابع فارسی:

قرآن کریم

اعراف، علیرضا و همکاران (۱۳۸۰)، فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.
ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، سال سوم پاییز و زمستان، شماره ۲ (پایایی ۶).

بهشتی، محمد، ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی‌نقی. ۱۳۸۶. آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

جعفریان صدیق، مرضیه (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴.

- داودی، محمد (۱۳۸۸)، تربیت اخلاقی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- درانی، کمال (۱۳۹۲)، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، قم، ایران.
- رفیعی، فرزانه (۱۳۹۵)، بررسی فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، نخستین همایش ملی برنامه‌ریزی و تحول نظام آموزشی، قم، دانشگاه پیام نور استان قم.
- رمضانی، خسرو (۱۳۷۹)، روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات فاطمیه.
- رهبیری، مهدی؛ بلباسی، میثم و قربی، محمدجواد (۱۳۹۴)، بررسی هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات ملی، بهار، ۶۱: ۶۶-۴۵.
- صالحی عمران، ا؛ محمدیان، معصومه و پاشا، رضا (۱۳۹۶)، بررسی مشکلات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر مدیران، مجله مطالعات آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، دوره سوم، ۶: ۷۶-۵۹.
- صیفی حصار، شهره (۱۳۹۱)، اندیشه‌های اخلاقی - تربیتی خواجه نصرالدین طوسی، حوزه علمیه خراسان.
- طوسی، محمد (۱۳۶۹)، الف. اوصاف الاشراف. تصحیح محمد مدرسی. تهران: موسسه مطالعات اسلامی.
- طوسی، محمد (۱۳۷۳)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
- عطاران، محمد (۱۳۸۲)، آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره‌ی تربیت کودک، تهران: انتشارات مدرسه.
- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا (۱۳۷۴)، برگزیده اخلاق ناصری، تهران، نشر توس.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۰)، بررسی آرای تربیتی امام محمد غزالی و نصیرالدین طوسی، معرفت.
- فلیک، اووه (۱۳۹۴)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه جلیلی، هادی، تهران: نشر نی.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۱)، سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: انتشارات سمت.
- کاردان، علی محمد؛ اعرافی، علیرضا؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ حسینی، علی‌اکبر و ایرانی، حسین (۱۳۸۴)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱)، فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول). پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کریمی، منیره و سالاری چینه، پروین (۱۳۹۴)، تعلیم و تربیت در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۳)، اصول فلسفه آموزش و پرورش، چاپ پنجم، تهران: نشر طهوری.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، منتخب اخلاق ناصری، تهران: نشر هما.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۹۴)، راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: انتشارات سمت.

منابع لاتین:

Mayring, P. (2000). "Qualitative content analysis. Forum", Qualitative Social Research, 1 (2).
Retrieved March 10, 2005,



تطبيق وثيقة التغيير الجوهرى فى التعليم و التنشئة فى جمهورية ايران الإسلامية مع أفكار التربية لخواجة نصير الدين الطوسى

عليرضا الدهقانى

سيد هاشم الجلستانى

سيد حسين الواعظى

زهرة السعادت مند

الغرض من هذه الدراسة هو مقارنة وثيقة التغيير الأساسى فى التعليم و التنشئة فى جمهورية إيران الإسلامية بالأفكار التربوية لخواجة نصير الدين الطوسى من جوانب معرفة الانسان و تعرف المعرفة و معرفة الدين. طريقة البحث فى هذه الدراسة هى تحليل المحتوى الكيفى مع الأخذ فى الاعتبار موضوع البحث و محور تركيزه. إن مجال البحث عبارة عن نصوص و دراسات معمولة و وثائق تتعلق بالمبادئ و الاصول و الأهداف و مكونات فعالة فى التعليم و التربية ، التى تم استخراجها من مصادر نظام التعليم و التربية الإسلامية. و تشير نتائج البحث إلى أن وثيقة التغيير الجوهرى فى بعض الأجزاء تتفق مع الآراء التربوية لخواجة نصير الدين ، و يستنبط وجود اختلافات بينهما. فى مجال معرفة الانسان ، و وثيقة التغيير ، مثل وجهات النظر التربوية لخواجة النصير ، لها نفس النظرة فى موضوعات مثل القدرة و الاختيار ، و تركيبية الانسان ، و الإيمان بالحياة الأبدية ، و قوة العقل و التفكير. لكن على الرغم من هذه القواسم المشتركة ، هناك اختلافات. فى مجال تعرف المعرفة لوثيقة التغيير فى هذا المجال لها نفس وجهة النظر التربوية لخواجة نصير الدين. على الرغم من هذا التشابه ، فإن وجهات نظر خواجة نصير التربوية تعتقد بان المعرفة الحقيقية هى ادراك المعقولات ، لكن وثيقة التغيير تعتقد بان المعرفة الحقيقية هى ممكنة من طريق الوحى و الإلهام. فى مجال معرفة الدين ، تعتقد وثيقة التغيير ، مثل الآراء التربوية لخواجة نصير الدين ، بأن الوحى هو أهم وسيلة لاكتساب المعرفة.

الكلمات الرئيسية: وثيقة التغيير، الأفكار التربوية، خواجة النصير.

طالب مستوى الدكتوراه، كلية العلوم التربوية، جامعة الحرة الإسلامية اصفهان (خوراسجان)، اصفهان، إيران.
دكتوراه ، أستاذ العلوم التربوية ، فلسفة التعليم و التربية ، الحرة الإسلامية اصفهان (خوراسجان) ، اصفهان ، إيران.
دكتوراه ، أستاذ مشارك، كلية الحقوق و الالهيات، الحرة الإسلامية اصفهان (خوراسجان)، اصفهان، إيران.
دكتوراه، أستاذة مشاركة، كلية العلوم التربوية، جامعة الحرة الإسلامية اصفهان (خوراسجان)، اصفهان، إيران.

The Comparison of the Fundamental Document of Transformation of the Education with Khajeh Nasiroddin Tosi 'S Educational Ideas

Alireza Dehghani *
Seyyed Hossein Vaezi ***

Seyyed Hashem Golestani **
Zohreh Saadatmand ****

The purpose of this study was to compare the document of fundamental transformation of the education with Khajeh nasiroddin tosi 's educational ideas to aspects of anthropology,epistemology and theology . The present study ,considering the subject and the research axis , was a kind of conceptual,inferencial research of comparison. Research field in this research includes texts , researches and documents related to the principles, goals and components of education in education that have been extracted from the available resources in relation to research in the education system of Islam. The results of the research indicate that the transformation document correspond to Khaje nasir's educational ideas in some parts and it is induced that there are some differences between them. The transformation document like Khaje nasir' s ideas are the same in anthropology domain like power and free will human composity, believe in future life, reasoning and intellectualizing. Despoite these similarities , there are also some differences. The transformation document and Khaje nasir's ideas are the same in epistemological area. Khaje nasir believes that real epistemology is hindsighting the intellectualies but the transformation document in revelation.Both of them know the revelation as the most important way of acquiring wisdom . In the field of theology, the document of transformation, such as the educational views of Khajeh Nasir considers revelation as the most important way to acquire knowledge.

Keywords: *Philosophy For Children, Community Inquiry,Spiritual Intelligence,High Level Documents.*

* PH.D Candidate, College of Educational Sciences, Khorasegan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

** Full Professor, Department of Educational Sciences, Educational and Traning Philosophy, Khorasegan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

*** Associate Professor, College of Law and Theology, Khorasegan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

**** Associate Professor, College of Educational Sciences, Khorasegan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.